

## کودتای 28 مرداد؛ علل و پیامدها



پیامد مستقیم کودتا، سرکوب مخالفان توسط شاه بود. جبهه ملی ایران و حزب توده توقیف شدند، ده ها افسر، سیاستمداران مرتبط با مصدق و بسیاری از اعضای سازمان های ضد شاه اعدام شدند، حکومت شاه پلیس مخفی سیاسی بدنام ساواک را ایجاد کرد. سرکوب ها و دستگیری ها تا سال 1958 در سراسر کشور به وقوع پیوست.

### آران نیوز : گزارش و تحلیل

اسپوتنیک، ولادیمیرسازین خاورشناس مطرح روس: سرمایه بریتانیا از آغاز قرن بیستم بسیاری از بخش های اقتصاد ایران را تحت کنترل داشته است. یک انگیزه قوی برای تقویت توسعه بریتانیا در استان های جنوبی، کشف ذخایر نفت در آنجا در سال 1908 بود. در سال 1909 شرکت "نفت پارسو انگلیس" در لندن تأسیس شد. در سال 1914، دولت بریتانیا اکثریت سهام شرکت را خریداری کرد و فعالیت های آن را به مدت 37 سال تحت کنترل داشت.

زمانی که رضاشاه در سال 1935 نام کشور را از پرشیا به ایران تغییر داد، شرکت "نفت پارس و انگلیس" به AIOC (شرکت نفت انگلیس و ایران) معروف شد.

پس از جنگ جهانی دوم، انگلیسی ها نفوذ خود را در ایران گسترش دادند و AIOC نیز فعالیت های خود را افزایش داد. در اواخر دهه 1940، پالایشگاه آبادان بزرگترین پالایشگاه جهان بود و ایران بزرگترین صادرکننده نفت در خاورمیانه بود. در عین حال درآمدهای وارد شده به دولت ایران از فروش نفت به حدی ناچیز بود که کمکی به توسعه کشور و بهبود زندگی مردم نمی کرد.

در سال 1949، در موج نارضایتی مردم، جبهه ملی ایران به وجود آمد. محمد مصدق (1882-1967)، یکی از برجسته ترین سیاستمداران ایرانی قرن بیستم، رهبر آن شد. مصدق فرزند شاهزاده خانم قاجار و وزیر دارایی در دوره ناصرالدین شاه، در انستیتوی علوم سیاسی در پاریس و دانشکده حقوق در سوئیس تحصیل کرد و دکترای حقوق گرفت. پس از بازگشت به وطن در سال 1914، او فعالانه در زندگی سیاسی شرکت کرد و احیای ملی و قطع کنترل بیگانگان بر اقتصاد و سیاست ایران را به عنوان اصول خود اعلام کرد.

مصدق و چند تن از هوادارانش ازجبهه ملی ایران به مجلس راه یافتند. آنها طرفدار انتقال صنعت نفت تحت کنترل ایران بودند. مصدق در مارس 1951 لایحه ملی شدن میادین نفتی را به مجلس تقدیم کرد. 28 آوریل 1951 مصدق به نخست وزیری ایران انتخاب شد. شاه از ترس تظاهرات جمعی مجبور به تایید این انتصاب می شود. از اول مه 1951 قانون ملی شدن صنعت نفت لازم الاجرا شد.

به عبارت دیگر مصدق نفت را از انگلیسی ها گرفت. این امر منجر به رویارویی مستقیم دولت ایران و بریتانیا شد. مصدق در سال 1952 روابط دیپلماتیک کشور خود را با بریتانیا قطع کرد. انگلیسی های خشمگین به دیوان بین المللی دادگستری شکایت می کنند و محاصره اقتصادی ایران را آغاز می کنند و به موازات آن با ایرانی ها مذاکره می کنند.

اما دیوان بین المللی دادگستری در واقع طرف ایران را گرفته است. مذاکرات به بن بست می رسد. امپراتوری ضعیف بریتانیا باید برای کمک به ایالات متحده مراجعه کند. اما دولت هری ترومن که تا ژانویه 1952 در قدرت بود، عجله ای برای کمک به انگلیسی ها نداشت. با ورود دوایت آیزنهاور به کاخ سفید، تغییرات عمده ای در واشنگتن رخ داد: آلن دالسه ریاست سیا منصوب شد و برادرش جان دالس وزیر امور خارجه شد. علاوه بر این، از اواخر سال 1951، وینستون چرچیل مجدداً در راس دولت انگلیس قرار گرفت و در تلاش برای حل مسئله نفت ایران بود. در فوریه 1953 در واشنگتن، در جلسه جان سینکلر، رئیس سرویس اطلاعاتی مخفی بریتانیا MI6، با رئیس سازمان سیا، آلن دالس، تصمیم بر سرنگونی دکتر مصدق گرفته شد.

برنامه اقدام مشترک، توسط آیزنهاور و چرچیل تصویب شد. عملیات برنامه ریزی شده "آژاکس" نام داشت. کرمیت روزولت، نوه رئیس جمهور پیشین ایالات متحده، تئودور روزولت، سرپرست عملیات شد. او به طور غیرقانونی وارد ایران شد و شروع به آماده سازی زمینه برای کودتا کرد.

روزولت قبل از هر چیز به شاه ایران توصیه کرد که برای حفظ جان خود همراه با خانواده تهران را برای مدتی ترک کند و شاه و خانواده اش به ویلای خود در ساحل خزر نقل مکان کردند. ژنرال آمریکایی نورمن شوارتسکف (در ضمن پدر همان ژنرال شوارتسکف که فرماندهی نیروهای ائتلاف

ضد عراق در "طوفان صحرا" را بر عهده داشت) طی یک جلسه محرمانه با افسران ارشد نظامی ایران، آنها را متقاعد کرد که در کودتا شرکت کنند. سازمان سیا آمریکا برای رشوه ژنرال ها وجوه قابل توجهی را برای آن زمان، اختصاص داد - 19 میلیون دلار (حدود 230 میلیون دلار امروز). باید بگویم که آمریکایی ها پول کم نگذاشتند. برای نیازهای توطئه گران از صندوق های ویژه سیا یک میلیون دلار دیگر (بیش از 12 میلیون امروز) اختصاص یافت.

همه این دلارها آماده سازی و اجرای عملیات آژاکس را در زمینه های زیر تضمین کرد:  
- تشکیل شبکه نفوذ، یعنی "ستون پنجم". کرمیت روزولت موفق شد ماموران انگلیسی قدیمی برادران رشیدی، سه پسر یک تاجر بانفوذ ایرانی را بخرد. برادران به نمایندگان مجلس و افسران ارشد نیروهای مسلح رشوه می دادند، در میان کسبه "بازار تهران" کار می کردند که در همه زمان ها فشارسنج زندگی سیاسی بود.

- شدت گرفتن فعالیت های اطلاع رسانی علیه مصدق و دولتش. صاحبان، سردبیران و روزنامه نگاران ده ها نشریه رشوه گرفتند. 80 درصد رسانه ها مخالف مصدق بودند. سیا مطالبی را از طریق رسانه ها توزیع می کرد که می گفتند: دولت، کشور را به سمت فروپاشی اقتصادی سوق می دهد و رئیس آن مصدق طرفدار حزب توده، عامل مسکو، مخالف اسلام، تخریب کننده روحیه ارتش است.

- انشعاب جبهه ملی ایران و ایجاد جناح ضد مصدق در سازمان.

- شکل گیری نارضایتی از حکومت و مصدق مخصوصاً در میان شخصیت های مذهبی. از افراط گرایان مذهبی برای تهدید و انتقام گیری فیزیکی علیه سرکشان استفاده شد.

- سازماندهی و برگزاری تجمعات و تظاهرات ضد حکومتی با شعارهای "مردم برای دموکراسی و پیشرفت"، "مردم علیه رژیم دیکتاتوری و کاملاً فاسد مصدق".

در اواسط مرداد 1332، شاه در حالی که از تهران خارج بود، فرمان برکناری مصدق را صادر کرد. اما این سند مکتوب، سه روز در عرصه بوروکراتیک گیر کرد. مصدق موفق شد نیروهای وفادار خود را به تهران ببرد و سازوکار سرنگونی شاه را راه اندازی کند. شاه به بغداد و سپس به رم گریخت.

با این حال آمریکایی ها موفق شدند کودتای برنامه ریزی شده را انجام دهند. در 28 مرداد 1332 به دستور کرمیت روزولت، ماموران او چند ده هزار نفر را به خیابان ها و میادین تهران بردند. وقتی پلیس سعی کرد آنها را متفرق کند، مأموران سیا شورش هایی را برانگیختند که بیش از سیصد نفر را کشت. گروهی خشمگین مستقیماً از میدان رفتند تا ادارات دولتی را تصرف کنند. ژنرال شوارتسکف در راس یک جوخه ویژه، مصدق و اعضای دولت او را دستگیر کرد.

عملیات آژاکس موفقیت آمیز بود. شاه به زودی به کشور بازگشت و قانون ملی شدن شرکت های نفتی خارجی را لغو کرد. سپهبد زاهدی نخست وزیر شد. روابط دیپلماتیک با بریتانیا برقرار شد. محمد مصدق به مدت سه سال در بازداشت بود، سپس آزاد شد و به عنوان یک شخص محصور در ملک خود زندگی کرد و در سال 1346 در آنجا درگذشت. کرمیت روزولت به دلیل خدماتش در "احیای دموکراسی" مدال کنگره آمریکا را دریافت کرد و به او لقب "میسر ایران" را دادند. و خود عملیات آژاکس برای سیا الگویی از اقدامات سرویس های ویژه برای سرنگونی دولت های مورد اعتراض کاخ سفید شد.

پیامد مستقیم کودتا، سرکوب مخالفان توسط شاه بود. جبهه ملی ایران و حزب توده توقیف شدند، ده ها افسر، سیاستمداران مرتبط با مصدق و بسیاری از اعضای سازمان های ضد شاه اعدام شدند، حکومت شاه پلیس مخفی سیاسی بدنام ساواک را ایجاد کرد. سرکوب ها و دستگیری ها تا سال 1958 در سراسر کشور به وقوع پیوست.

در سال 1954، دولت زاهدی با کنسرسیوم بین المللی نفت قراردادی منعقد کرد که به این شرکت حق استخراج و پالایش نفت ایران را به مدت 25 سال با امکان تمدید این پیمان داد. ایران 50 درصد از فروش این نفت را دریافت کرد. در همان سال، AIOC به "بریتیش پترولیوم" تبدیل شد که 40 درصد از سهام کنسرسیوم را به دست آورد. 40 درصد به طور مساوی بین پنج شرکت نفت آمریکایی (شورون، اکسون، گلف، موبیل و تگزاکو)، 6 درصد به شرکت فرانسوی Compagnie Fran&ccedil;aisedeP&eacute;troles و 14 درصد به رویال داچ شل داده شد.